



مقاله



انیس پورخسروانی

برنامه اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر کاهش قدرت خوانین بختیاری

چشم‌انداز ایران؛ گرچه عنوان مقاله «برنامه اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر کاهش قدرت خوانین بختیاری» است، اما خانم پورخسروانی نشان داده که شاه از هرگونه هویت و قدرت نگران بوده است. معمولاً اصلاحات ارضی زمانی انجام می‌شود که افزایش کرامت انسانی و تولید را به بار آورد، ولی از آنجا که شاه سابق انگیزه اصلی‌اش «قدرت» و دیگر هیچ بود، برنامه اصلاحات ارضی هم موفق نبود. کسانی که ارتش شاه و بویژه رکن دوم و فنداطاعات آن را تجربه کردند شاهد آن بوده‌اند که نظام شاهنشاهی با هرگونه هویتی چون مذهب، نژاد، زبان و قدرت مقابله می‌کرد بجز هویت شاهنشاهی که خود او آن را از دین و قانون اساسی بالاتر می‌دانست. در نهایت با تشکیل «حزب رستاخیز» اعلام کرد کسانی که مخالف آن هستند به خارج از ایران بروند. او به‌جای پذیرش تقویت فرهنگها (Multy Culturalis) به مقابله آنها و یکسان‌سازی فرهنگ همت گذاشت و شاید بتوان این را اصلی‌ترین علت سقوط رژیم سلطنتی دانست. وی حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در صدد حذف کسانی برآمد که تاج‌بخش او بودند و او را به قدرت رسانده بودند، مانند سرلشکر زاهدی، ارتشبد چم و ارتشبد حجازی. چنانچه در مقاله هم آمده است چنانچه که در ابتدا منتخب او بود و سپس علی‌امینی نخست‌وزیر منتخب خود را که عاقد قرارداد نفتی کنسرسیون بود کنار گذاشت.

دوم: اصلاحات ارضی چه پیام‌هایی برای سران ایل بختیاری در پی داشت؟
تعریف اصلاحات ارضی
اصلاحات ارضی عبارت است از تغییرات اساسی در میزان و نحوه مالکیت اراضی خصوصاً اراضی کشاورزی و مراتع به منظور افزایش بهره‌وری عمومی جامعه؛ اجرای اصلاحات ارضی در ایران دلایل مختلفی داشت از جمله کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگ مالکان، ایجاد محجوبیت میان قشر روستایی، افزایش سطح درآمد و توانایی اقتصادی زارعان، افزایش بهره‌وری، پیشگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و بهبود نظام عرضه و تقاضا در سطح ملی (علی‌اکبر اسداللهی، ۱۳۸۴).
اصلاحات ارضی به‌عنوان برنامه‌ای تصور می‌شد که برای مقابله با فقر و بی‌عدالتی در نواحی روستایی طراحی شده بود و در وهله اول به معنای توزیع مجدد زمین در نظر گرفته شده بود. اصلاحات ارضی بر این نظریه و باور شکل می‌گرفت که نظام‌های مالکیت ارضی سنتی مانع توسعه اقتصادی می‌شود، بر این اساس اصلاحات ارضی راهی است برای رفع نقایص چنین نظام‌هایی.

پرداختن به موضوع مورد نظر یعنی تأثیر اصلاحات ارضی بر کاهش قدرت خوانین بختیاری به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده شود:
نخست: اصلاحات ارضی چه بود و چگونه در ایران پیاده شد؟

اصلاحات ارضی به‌عنوان برنامه‌ای تصور می‌شد که برای مقابله با فقر و بی‌عدالتی در نواحی روستایی طراحی شده بود و در وهله اول به معنای توزیع مجدد زمین در نظر گرفته شده بود. اصلاحات ارضی بر این نظریه و باور شکل می‌گرفت که نظام‌های مالکیت ارضی سنتی مانع توسعه اقتصادی می‌شود، بر این اساس اصلاحات ارضی راهی است برای رفع نقایص چنین نظام‌هایی

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران سراسر مملو از فراز و فرودها و تحولاتی است که در ایجاد و شکل‌گیری آنها، هم‌گروه‌های داخلی و هم‌قدرت‌های خارجی دخیل بوده‌اند، نمونه این تحولات برنامه اصلاحات ارضی است. این برنامه نه تنها به واسطه تغییراتی که در بعد جامعه‌شناختی کشور ایران ایجاد کرد دارای اهمیت است، بلکه از منظر تغییرات سیاسی نیز جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر ایران دارد. تغییراتی که از سال ۱۳۴۱ آغاز شد اگرچه به نام اصلاحات با هدف ایجاد تحول در سیستم اقتصادی و اجتماعی برای قدم نهادن در راه توسعه و پیشرفت صورت گرفت، اما در اصل گامی در جهت تضعیف نیروهای سیاسی فعال در کشور بود که در دهه قبل با نقش آفرینی پایه‌های سلطنت را بست کرده بودند، و همچنین تلاشی بود در جهت ایجاد فضا برای نفوذ گسترده‌تر دولت مرکزی در روستاها و در مرکز قدرت خوانین و سران ایلات و عشایر برای تضعیف قدرت آنها و ضربه زدن به آنها و وابسته کردن مالکان بزرگ به دولت.
در مقاله حاضر قصد بر این است که ضمن

آبان و آذر ۱۳۸۹
فصلنامه مطالعاتی

(محمدجواد عمید، ص ۷۸)

چگونگی شکل گیری اصلاحات ارضی در ایران

اولین اقدامات دولت ایران در جهت پیاده کردن برنامه اصلاحات ارضی به سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۰) برمی گسرد. در همین راستا می توان از فرمان شاه در سال ۱۳۳۰ یاد کرد که خواهان فروش املاک سلطنتی به کشاورزان بود، اما به طور واضح لایحه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ از سوی دولت مطرح و توسط دو مجلس تصویب شد. اصلاحات ارضی در سه مرحله اجرا شد که مرحله اول آن در سال ۱۳۴۱ آغاز گردید. مهمترین اصل در قانون اصلاحات ارضی این بود که مالکان بزرگ مقدار اراضی تحت مالکیت خود را به یک شش دانگ کاهش دهند و میل خود آنها بود که این شش دانگ را از یک روستا انتخاب کنند یا به صورت پراکنده از چند روستا. سازاد اراضی هم باید به دولت فروخته می شد و دولت نیز تریبی می داد که این اراضی به زارعان و دهقانان فروخته شود و قیمت زمین نیز بر اساس مالیات هایی که مالکان تا ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ بر اساس میزان سود خود از اراضی پرداخت کرده بودند از سوی دولت تعیین می شد. در اینجا این مسئله جالب است که مالکان برای آنکه مالیات کمتری بپردازند سود عاید خود از زمین ها را کم اعلام کرده بودند، از این رو قیمت زمین های آنها پایین در نظر گرفته می شد و این به ضرر آنها بود. زمین خریداری شده توسط دولت به دهقانان و زارعان بده در صد اضافه بها بابت کارهای اداری فروخته می شد و قرار بر این شد که زارعان پول زمین ها را به صورت اقساط ۱۵ ساله یک سال پس از تحویل زمین به دولت بپردازند. (اریک ج. هوگلاند، ۱۰۷)

مراحل اصلاحات ارضی

مرحله اول در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ آغاز شد که انجام این برنامه به آقای ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت سپرده شد. وی تأکید داشت که برنامه باید با سرعت عمل همراه باشد به همین منظور تبلیغات گسترده ای را علیه مالکان بزرگ به راه انداخت تا به این وسیله چهره مالکین بزرگ را بین روستاییان مخدوش ساخته و دهقانان و روستاییان را با برنامه خود همراه سازد، اما از آنجا که پیاده کردن این قانون در سراسر کشور دشوار بود و امکان داشت به جای در پی

بسیاری از خوانین و رؤسای قبایل در روستاها دارای زمین و در نتیجه صاحب نفوذ بودند. می توانستند از آرای موافق روستاییان برخوردار شوند. افزون بر این دوام و استمرار خان خانی ارتباطی تنگاتنگ با ناآگاهی و بی سوادگی جامعه داشت، بنابراین رژیم برای پایان دادن به نفوذ سنتی خوانین در روستاها و کوتاه کردن دست آنها از دولت و مجلس یک سلسله اقدامات اجتماعی و فرهنگی را به اجرا گذاشت. اقدامات اجتماعی شاه در قالب برنامه "انقلاب سفید" یا "انقلاب شاه و ملت" ظاهر شد



داشتن یک نتیجه مثبت و قابل قبول برای دولت نتیجه منفی به همراه داشته باشد و موجب ایجاد اغتشاش در داخل کشور شود، قرار بر این شد که برنامه به صورت منطقه ای پیاده شود. (اریک ج. هوگلاند، ص ۱۱۱)

به همین منظور قانون اصلاحات ارضی ابتدا در منطقه مراغه و سپس در دیگر مناطق استان آذربایجان اجرا شد و پس از آن در استان های

قزوین، گیلان، اراک، آذربایجان شرقی، فارس، اردبیل، کرمانشاه و کردستان پیاده شد. (پیتر اوری، ص ۷۸)

شدت عمل ارسنجانی از یک سو موجب مخالفت ملاکین وابسته به دربار با برنامه وی شد، از سوی دیگر شاه رانسیست به افزایش قدرت خود نگران ساخت که در نهایت شاه دستور توقف برنامه و استعفای ارسنجانی را صادر کرد.

مرحله دوم اصلاحات ارضی بدون حضور ارسنجانی آغاز شد، در این مرحله شاه به شخصه با اعمال تغییرات انجام برنامه را بر عهده گرفت: الف - ترس شاه از بی ثباتی سیاسی در مناطقی که اصلاحات ارضی در آنها شکل گرفته بود، در کنار این مسئله شاه از این هم بیم داشت که با تشکیل طبقه دهقانی تهدیدی برای حکومتش به وجود آید.

ب - تلاش شاه برای نفوذ در روستاها که دیگر تحت نفوذ مالکان قرار نداشتند. ج - عدم آگاهی شاه از اوضاع اقتصادی و اجتماعی روستاها، این بی اطلاعی موجب شد تصمیم درستی در مورد تضمین موفقیت اصلاحات برای آنها گرفته نشود.

مرحله سوم ضعف های مرحله دوم آن قدر زیاد بود که اعتراض زارعان و دهقانان را در پی داشت. ناراضی زارعان و دهقانان از نوع اجاره داری و روشن شدن این مطلب که اصلاحات ارضی موجب افزایش تولید و بهتر شدن کیفیت تولیدات نشده است دولت را واداشت تا در جهت رفع نواقص بر آید و مرحله سوم و اطراحی کرد. این مرحله با اصلاحیه ای بر قانون اصلاحات ارضی در دی ماه ۱۳۴۸ آغاز شد. طبق این قانون زمین هایی که به مدت سی سال به اجاره رفته بودند، به مستأجران فروخته می شد. قیمت خرید برابر با اجاره ۱۲ ساله بود و طبق توافق مالک و مستأجر خرید و فروش صورت می گرفت، البته این قانون شامل زمین های وقفی ۹۹ ساله و مکانیزه نمی شد. (باقر پرهام، ص ۵۶-۵۵)

این مرحله نیز خالصی از اشکال نبود و نقطه ضعف هایی داشت، چرا که به دلیل عدم دخالت مؤثر و مستقیم دولت در امر خرید و فروش، مالکان این کار را به هر طریقی که موافق منافع خودشان بود انجام می دادند.

شاه و اصلاحات ارضی در ایران

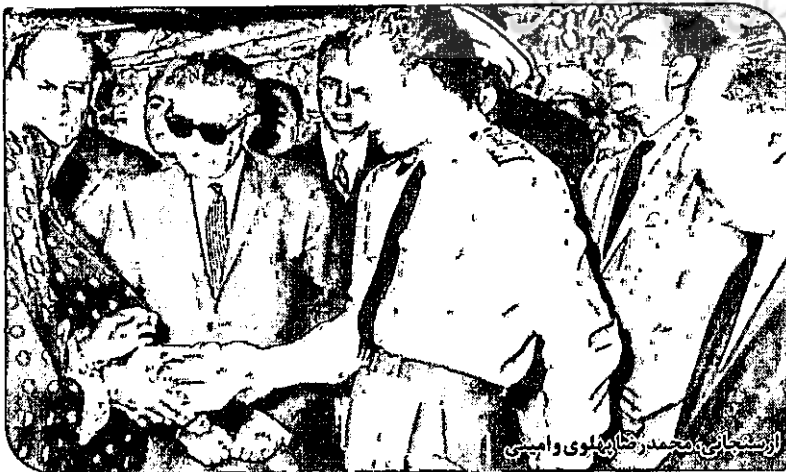
محمد رضا شاه زمانی که به قدرت رسید

مانند پدرش به سران عشایر و قبایل به عنوان معضلات امنیتی - اجتماعی نگاه می کرد و آنها را مانعی بر سر راه توسعه می دانست به همین دلیل به دنبال بهانه ای بود تا آنها را از دایره قدرت دور کند، اساساً بنا به دلایلی به توصیه انگلیسی ها در همان ابتدای روی کار آمدن دست به این کار نزد دلایل کنار آمدن محمدرضا شاه با سران ایلات و عشایر را می توان در چند مورد جست و جو کرد: نخست ترس محمدرضا شاه از همسایه شمالی یعنی شوروی که روزه به روز نیز بر قدرت آن افزوده می شد و حتی از احزاب چپ داخل ایران مثل حزب توده نیز حمایت می کرد. دوم اینکه شاه سعی می کرد با کنار آمدن با آنها از خود یک چهره دموکراتیک به نمایش بگذارد و با استفاده از این سیاست از نفوذ قدرتی که سران عشایر در بین مردم داشتند به نفع مستحکم کردن قدرت نوظهور خود استفاده کند. انگلیسی ها از شاه می خواستند تا آنجا که امکان دارد با آنها (سران قبایل و عشایر) مدارا کند. با توجه به تحولاتی که با شروع دهه ۱۳۳۰ در ایران به وقوع پیوست کم کم محمدرضا شاه چهره واقعی خود را نشان داد و دست از مدارا برداشت. روی کار آمدن دکتر مصدق و سیاست وی در جهت ملی کردن صنعت نفت ایران و مقابله وی با سلطه انگلستان در ایران با روحیه آزادپنجه بیشتر مردم ایران از جمله سران عشایر و قبایل همخوانی داشت، از این رو آنها به حمایت از دکتر مصدق پرداختند. این مسئله برای شاه خوشایند نبود به همین دلیل شاه همراه با هواداران غربی وی دست به کار شدند تا کانون های قدرت در ایران که خسار ج از دربار بودند و در مقابل شاه قرار داشتند را از دور خارج و آنها را تضعیف کنند. با شکل گیری کودتای ۲۸ مرداد به همت آمریکا و انگلستان و سقوط دکتر مصدق سیاست شاه در داخل و خارج به طور کامل تغییر کرد. اولین و مهمترین تأثیر را می توان در تثبیت قدرت شاه در داخل و شروع حکومت دیکتاتوری وی دانست. پس از کودتا، شاه تا اواخر دهه ۱۳۳۰ در گیر سرکوب مخالفان درون شهری خود از جمله ملیون و حزب توده بود، همین که از آنها قانع شد به سراغ سران ایلات، عشایر و مالکین بزرگ در روستاها رفت تا پایگاه های قدرت آنها را نابود سازد و بدین وسیله آنها را تضعیف کند. بسیاری از خوانین و رؤسای قبایل در روستاها

حضور سران ایل بختیاری در رویدادهای سیاسی ایران اگر به نفع دولت مرکزی تمام می شد خوشایند دولت بود، اما اگر آنها در ایجاد یک تحولی در بُعد سیاسی و اجتماعی با گروه هایی همگام می شدند که خواهان کاهش قدرت دولت مرکزی بودند دولت مرکزی به شدت با آنها برخورد می کرد و حرکت های آنها را سرکوب می ساخت

دارای زمین و در نتیجه صاحب نفوذ بودند. آنها به هنگام انتخابات مجلس می توانستند از آرای موافق روستائیان برخوردار شوند. افزون بر این دوام و استمرار خان خانی ارتباطی تنگاتنگ با ناآگاهی و بی سوادگی جامعه داشت، بنابراین رژیم برای پایان دادن به نفوذ مستقیم خوانین در روستاها و کوتاه کردن دست آنها از دولت و مجلس یک سلسله اقدامات اجتماعی و فرهنگی را به اجرا گذاشت. اقدامات اجتماعی شاه در قالب برنامه «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» ظاهر شد. این برنامه در سال ۱۳۴۱ به توصیه دولت امریکا از سوی شاه مطرح و در یک فرآیند نمایشی از تصویب افکار عمومی گذشت. انقلاب سفید در مرحله اول دارای شش اصل بود که دو اصل آن «اصلاحات ارضی» و «ملی کردن جنگل ها و مراتع» تأثیر عمیقی در

زندگی عشایری بر جای گذاشت. هر چند در پی سیاست اسکان اجباری روضاشاه و در پرتو عواملی چون جاذبه زندگی شهری، کاهش نزولات جوی و فقر مضاعف اقتصادی، از سال های آغازین دهه ۱۳۲۰ مهاجرت پراکنده عشایر به شهرهای بزرگ، کوچک و حاشیه روستاها شروع شده بود، اما اجرای اصلاحات ارضی و مالکیت یافتن روستائیان در اراضی حریم «ایل راه ها» مواع و محدودیت هایی برای کوچ نشینان ایجاد کرد که باعث اسکان اجباری دیگری شد (بابک نادرپور، ص ۲۴۵). اصلاحات ارضی همچنین فرصتی را فراهم آورد تا شاه خوانین و مالکانی را که جرأت و جسارت مخالفت در خود می دیدند به بهانه های مختلف سرکوب کند، مثلاً در استان آشوب خیز فارس زمانی که مهندس ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی منطقه فیروزآباد عازم منطقه محل مأموریت خود بود، توسط عده ای به ضرب گلوله از پای درآمد. رژیم از این فرصت استفاده کرد و به تبلیغات شدیدی علیه مالکان و نیروهای مخالف اصلاحات ارضی دست زد، تعدادی از رؤسای عشایر را دستگیر و به زندان انداخت و برخی را نیز اعدام نمود (مرتضی رسولی، ص ۲۶۴-۲۶۳). بازتاب ملی کردن جنگل ها و مراتع بسیار عمیق تر بود، این اقدام باعث شد تا بسیاری از مراتع مورد استفاده عشایر به تصرف دولت درآید. مراتع به هیچ وجه نباید کوچک و رو می شد یا به عنوان چراگاه مورد استفاده قرار می گرفت، مگر آنکه «چسواز علف چر» از سازمان دولتی دریافت می شد. هر جواز به گله دار اجازه می داد که در یک قطعه زمین مشخص که



وسعت آن برحسب تعداد چهار پایان و کیفیت رشد علف تعیین می‌شد، گله‌اش را پچرانند (ژان پی‌یردیگار و دیگران، ص ۴۰۲). به‌طور کلی با اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی، ضربات جبران‌ناپذیری به سران ایلات وارد آمد. بسیاری از آنها موقعیت اجتماعی خود را از دست دادند و از نظر مالی در وضع نامطلوبی قرار گرفتند. بعضی از آنها راهی شهرها شدند و برخی نیز به زندگی در داخل ایل ادامه دادند بی‌آنکه از نفوذ سابق برخوردار باشند، عده‌ای هم که به رژیم وابسته بودند، در سایه زودبند با مأموران دولتی موفق شدند مقدار قابل توجهی از زمین‌های قابل کشت و مراتع را به نام خود و فرزندانشان به ثبت برسانند و با کار کشاورزی و دامداری درآمد مکفی به دست آوردند. به این طریق با برنامه اصلاحات ارضی افراد بانفوذ و قدرتمندی که در سطح محلی با شاه درمی‌افتادند از روستاها رانده شدند و قدرت دولت مرکزی جایگزین قدرت مالکین در روستاها شد.

امریکا و اصلاحات ارضی در ایران

با نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی ایران در شروع دهه ۱۳۴۰ و با توجه به رابطه ایران با آمریکا در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد و تغییراتی که در دستگاه‌های سیاسی آمریکا با روی کار آمدن جان اف کندی به وجود آمده بود به خوبی می‌توان به این مطلب پی برد که برنامه اصلاحات ارضی طرحی نبود که به یکباره محمدرضا شاه جهت ایجاد تحولات در سیستم اجتماعی و اقتصادی ایران خواهان پیاده کردن آن باشد. واقعیت چیزی فراتر از این مسئله بود، نقش امریکا در طراحی و شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ضمن آنکه یک‌بار دیگر قدرت را به شاه و دربار بازگرداند و موجودیت متزلزل دستگاه پادشاهی پهلوی را از ورطه سقوط نجات داد یک واقعیت رانیز پیش روی دستگاه سیاسی ایران نمایان ساخت که پس از این امریکا جایگزین انگلستان تضعیف شده پس از جنگ جهانی دوم در مسائل داخلی ایران نقش آفرینی خواهد کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد عملاً سیاستگذاری‌های محمدرضا شاه چه در امور داخلی و چه امور خارجی برگرفته از تصمیماتی بود که در کاخ سفید گرفته و به ایران ذپخته می‌شد، به همین دلیل تحولاتی که با روی کار آمدن مهره‌های جدید در دستگاه

سیاسی امریکا حادث می‌شد خواه و ناخواه بر سیاست‌های دربار ایران نیز به شدت تأثیر می‌گذاشت. در سال ۱۹۶۱ جان اف کندی به عنوان رئیس‌جمهور امریکا انتخاب شد، وی برنامه‌های جدیدی را برای امریکا و جهانی که در ارتباط با امریکا بود طراحی کرد، برنامه‌وی «اتحاد برای پیشرفت» نام داشت. درگیری‌های امریکا در مناطق مختلف جهان با شوروی این قدرت را بر آن داشت تا برای حفظ و ادامه نفوذ خود در کشورهای همپیمان خود دولت‌های حاکم بر آن کشورها را وادار سازد تا با انجام یکسری اصلاحات بخصوص در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، فضای بهتری را برای ادامه زندگی مردم آن کشورها ایجاد سازد تا به سمت بلوک شرق (کمونیسم) تمایل پیدا نکنند و زمینه شکل‌گیری افکار کمونیستی در آنها با نگیرد (وسلی ام باک‌بای، ص ۳۲۴). به توصیه «یا بهتر گفته شود به دستور کندی محمدرضا شاه نیز باید زمینه اصلاحات در ایران فراهم سازد که این اصلاحات شامل ایجاد فضای باز سیاسی نیز می‌شد. این امر چندان باروچه

اگر چه هدف از این اصلاحات ایجاد تحولات اقتصادی و بالابردن کیفیت کمیت محصولات کشاورزی بود، اما عملاً این اتفاق رخ نداد. از یک سو با کاهش قدرت خوانین و چند تکه شدن اراضی، نظارت بر تولیدات کشاورزی که در گذشته توسط مالکان صورت می‌گرفت از بین رفت و بازدهی اراضی کاهش پیدا کرد و از سوی دیگر خرده مالکانی که پس از اصلاحات ارضی متولد شده و مقدار اراضی به دست آورده بودند بیشتر به فکر تولید محصولات مورد نیاز خود بودند تا تولید در حد بالا و برای بازارهای داخلی

مستبدانه محمدرضا شاه همخوانی نداشت. امریکایی‌ها امینی را مأمور ایجاد اصلاحات ساختند. شاه که از حضور امینی و زودبند وی با امریکایی‌ها احساس خطر می‌کرد، عازم امریکا شد و پس از بازگشت از امریکا انجام اصلاحات را به عهده گرفت. بدین صورت اصلاحات ارضی با مدیریت امریکا و اجرای دولت مرکزی در ایران آغاز شد.

اصلاحات ارضی و کاهش قدرت خوانین

بختیاری

بختیاری نام یکی از قوم‌های بزرگ لر ایران معروف به لر بزرگ است که در زاگرس میانی سکونت دارند (لر کوچک نیز تقریباً کتین لرستان و ایلام امروزی هستند). برای اولین بار حمدلله مستوفی در شمارش طوایف لر بزرگ از بختیاری نام برده است، طایفه‌ای که ظاهرآ بعداً قدرت و شوکت بیشتری یافته و سرانجام بیشتر منطقه لر بزرگ با همان نام بختیاری شناخته شده است.

دو روزگار صفوی نام بختیاری از واژه بختیاروند - که یکی از طایفه‌های مهم این منطقه بود - روی لر بزرگ نهاده شد. با این حال منابع تاریخی در اوایل سده هشتم نام بختیاری را متذکر شده‌اند (محمدرضا شوشتری، ۱۷۳). از تمام نوشته‌ها، آثار و اسناد تاریخی استنباط می‌شود که بختیاری‌ها از ایرانیان اصیل و با کردها و لرها از یک ریشه و نژادند و زبان‌شان نیز شاخه‌ای از زبان پهلوی است. مسکن لر کوچک لرستان کنونی است. لر بزرگ یا بختیاری در اراضی و کوهستان‌های بختیاری و کهگیلویه ساکن هستند. (سردار اسعد بختیاری، ص ۶)

در اوایل پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، بختیاری جزء خاک فارس بود و ورود کارون جداکننده فارس و عراق عجم به شمار می‌آمد. از سال ۱۲۵۲ قمری بختیاری گاهی جزء فارس و گاهی جزء حکومت خوزستان بود (جواد صفی‌نژاد، ص ۱۰۷). بختیاری‌ها در طول تاریخ منطقه همواره حضور سیاسی - نظامی و اقتصادی مؤثری داشته‌اند، بویژه حضور ایشان در انقلاب مشروطه بسیار برجستگی دارد. نخستین کسی که در مستند کردن تاریخ بختیاری‌ها تلاش کرد و در مورد آنان کتاب نوشت سردار اسعد بختیاری است که در کتاب «تاریخ بختیاری» به شمه‌ای از گذشته بختیاری‌ها و سایر لرها اشاره کرده است. یکی از نظراتی که درباره نام بختیاری وجود

دارد این است که بختیاری‌ها همسان باختیاری‌ها یا ساکنان زاگرس باختیاری هستند. بختیاری‌ها سلسله آتابکان لر (هزار اسفیان) را تشکیل دادند که مرکز آن ایذه بود. (چو اصدافی نژاد، ۴۸۱)

طوایف و تیره‌های بختیاری

قوم بزرگ بختیاری به دو شاخه هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شود. هفت لنگ شامل چهار باب بهادر و نند، بابادی، دور کی و دینارانیو نوروزی است. چهار لنگ شامل پنج باب محمود صالح (مصالح)، کینورسی، زلفی ذلکی، میوند (می‌وند) و مگرگی است. بر اساس سنتی که در ایل وجود داشته است، گردش حکومت به وسیله مالیات سرانه‌ای بوده که از دامداران می‌گرفتند و اقتصاد حکومت خان‌ها بر اساس همین مالیات بود. این مالیات بر اساس میزان تولید فرآورده‌های دامی به نوع مراتع و وسعت آن و تعداد دام و تعداد نفراتی که در ایل قدرت کارایی در امر تولید دام و پرورش آن را داشته‌اند بستگی داشته است. همه بختیاری از لحاظ گرفتن مالیات به دو بخش تقسیم می‌شد: از یک بخش که دام زیادتر و مراتع بهتر داشته‌اند مالیات بیشتری دریافت می‌شد و از بخش دیگر مالیات کمتر. واحد گرفتن مالیات دامی در ایل، بر حسب مادیان تعیین می‌شد و برای هر رأس مادیان، سالانه مقداری پول از ۱۰ ریال تا ۳۰ ریال به معیار آن زمان دریافت می‌کردند.

شخصیت‌های معروف بختیاری

حسینقلی خان ایلخانی رئیس ایل بختیاری - امامقلی خان حاجی ایلخانی رئیس ایل بختیاری - لطفعلی خان امیر مقخم رئیس ایل بختیاری - نجفقلی خان مصمصام السلطنه از رهبران انقلاب مشروطه ایران که دو دوره نخست وزیر دولت مشروطه ایران شد - علیقلی خان سردار اسعد بختیاری از رهبران اصلی انقلاب مشروطه ایران - شاپور بختیار فرزند سردار فاتح و نوه نجفقلی مصمصام السلطنه از رهبران جبهه ملی ایران و از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و آخرین نخست وزیر منتخب شاه - ثریا اسفندیاری ملکه سابق ایران، نوه حسینقلی خان ایلخانی و دختر خلیل خان اسفندیاری بختیاری - سپهبد تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران، معاون نخست وزیر و بنیانگذار سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) - شاهزاده فرمانفرما حسام السلطنه حاکم پروچرد و کرمانشاهان - علیمردان خسان داراب افسر -

با اصلاحات ارضی قدرت و نفوذ خوانینی چون خوانین بختیاری کاهش یافت. آنها به شهرها مهاجرت کردند و شهرنشین شدند دولت تاحدی خیالش از بابت آنها راحت شد، اما همین گروه‌ها قشر و طبقه جدیدی در جامعه شهری به وجود آوردند که بعدها با اعتراضات خود به دستگاه سیاسی رنگ و بوی دیگری بخشیدند و حتی از بانیان سقوط نظام شاهنشاهی شدند



ابوالقاسم بختیار سردار ظفر بختیاری - بی بی مریم دختر حسینقلی خان ایلخانی خواهر نجفقلی خان مصمصام السلطنه و مادر علیمردان خان - علیمردان خان بختیاری - علیمردان خان بختیاری - امیر بختیار زاله فراهانی - اسدخان بختیاری مشهور به اسدخان شیرکش.

بختیاری‌ها و برنامه اصلاحات ارضی

کمتر کسی رامی‌توان یاد کرد که سابقه رشادتها و از خودگذشتگی‌های مردمان بختیاری را در لحظه‌های حساس سیاسی ایران انکار کند. بر پیشانی انقلاب مشروطیت نام سردار اسعد بختیاری نقش بسته است و خاطره رشادتها بی بی مریم بختیاری خواهر سردار اسعد از زنان مبارز عصر مشروطیت که دو شادوش برادر در راه آزادی به مبارزه پرداخت

در یادها جای گرفته است.

سران ایل بختیاری مانند دیگر گروه‌ها همیشه در پی آن بودند تا جایگاهی برای خود در دستگاه سیاسی پیدا کنند. ثروت و پایگاه اجتماعی آنها در بین عشایر و قبایل، قدرت در خوروی را برای آنها به وجود می‌آورد تا با استفاده از آن قدرت تأثیرگذاری پیدا کنند. دولت‌های مرکزی نیز هر زمان که به وجود آنها نیاز داشتند راه را برای حضور فعال آنها در دستگاه‌های سیاسی هموار می‌ساختند و هر زمان که از افزایش قدرت آنها احساس خطر می‌کردند در مقابل آنها می‌ایستادند و عرصه را بر آنها تنگ می‌ساختند. حضور سران ایل بختیاری در رویدادهای سیاسی ایران اگر به نفع دولت مرکزی تمام می‌شد خوشایند دولت بود، اما اگر آنها در ایجاد یک تحولی در بُعد سیاسی و اجتماعی با گروه‌هایی همگام می‌شدند که خواهان کاهش قدرت دولت مرکزی بودند دولت مرکزی به شدت با آنها برخورد می‌کرد و حرکت‌های آنها را سرکوب می‌ساخت. به هر صورت قدرت یابی سران قبایل و عشایر مگر در مواردی محدود به نفع دولت مرکزی نبود، برای نمونه حمایت سران ایل بختیاری از دکتر مصدق موجب نگرانی محمدرضا شاه و درباریان شد، به طوری که به دنبال راه چاره‌ای برای مقابله با افزایش قدرت آنها برآمدند. کودتای ۲۸ مرداد به دست امریکا و انگلستان تاحد زیادی نگرانی شاه و درباریان را خاتمه بخشید.

با کودتای ۲۸ مرداد دوره جدیدی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران آغاز شد که روی ایل بختیاری نیز تأثیر بسیاری گذاشت. پس از کودتا سران ایل بختیاری آخرین تلاش خود را برای باز یافتن قدرت از دست رفته به کار بردند و تاحد زیادی هم موفق بودند، چرا که حضور مهره‌های پر قدرتی چون تیمور بختیار و رسیدن وی به مقام ریاست ساواک در سال ۱۳۳۶ گواهی است بر این مطلب، هرچند ناگفته نماند که شاه چندان راضی از حضور وی در دستگاه سیاسی نبود، اما به خواست انگلیسی‌ها مجبور به پذیرش این امر شد. زمانی که کندی در امریکای کار آمد و برنامه جدیدی را برای ایران طرح ریزی کرد و خواهان انجام اصلاحات در ایران شد، شاه چندان تمایلی به انجام این اصلاحات نداشت، از این رو تیمور بختیار را به عنوان نماینده به امریکای فرستاد تا وی با توجه به حلقه‌های ایرانی و مالکی که داشت

ضمن برچیدن مشکلات انجام برنامه اصلاحات ارضی در ایران کنسلی را از انجام این برنامه منصرف سازد (اسفند یار آهنگجده، ص ۳۴۶). قضیه برعکس جواب داد، چرا که تیمور بختیار در دیدار خود از امریکا گفت و گویی را با سراسر سازمان سپا انجام می دهد و اعلام می کند که قصد دارد شاه را خلع سازد و به کمک امریکایی ها نیاز دارد. سازمان سپا نیز شاه را در جریان این امر قرار می دهد و این مسئله موجب نگرانی شاه می شود. علاوه بر تیمور بختیار بسیاری از سران بختیاری نیز در دستگاه سیاسی نفوذ قابل ملاحظه ای داشتند و هر گونه اقدام شاه علیه آنها بدون برنامه از پیش تعیین شده موجب آشوب و بی ثباتی سیاسی در کشور را فراهم می کرد، به همین دلیل شاه تا سال ۱۹۶۱ که عملاً تیمور بختیار دست به تظاهرات علیه شاه زد با وی مقابله نکرد. در این سال شاه وی را از ریاست ساواک خلع و از ایران اخراج کرد (ویلیام شوکران، ص ۱۹۸). شاه که از قدرت رو به رشد سران عشایر و مالکین بزرگ نگران بود اگر چه در ابتدا با اصلاحات ارضی چندان موافق نبود، اما این برنامه را بهترین فرصت برای کاهش قدرت آنها دانست و از آن به نفع افزایش قدرت خود و کاهش قدرت و نفوذ سران و بزرگان ایلات، قبایل و مالکان بزرگ با گرفتن پایگاه قدرت آنها یعنی قبیله، زمین و املاک استفاده کرد. پس از اصلاحات ارضی مالکیت مستی و ساختار سیاسی و مستی ایل بختیاری دگرگون شد، خوانین امتیازات گذشته را از دست داده و بسیاری از آنها منطقه را ترک کردند. اقتصاد مستی ایل نیز دگرگون گردید، چرا که بسیاری از خوانین به شهرها مهاجرت کردند و به مشاغل غیر مستی روی آوردند (سکندر امان اللهی بهار و نلم، ۱۳۷۶). شکسته شدن پایگاه اقتصادی خوانین و سران باعث شد آنها که

تا چندی پیش از نظر اقتصادی بی نیاز از دولت و کمتر از دیگر گروه ها وابسته به آن بودند و توان اعتراض و سرکشی داشتند به یکباره تبدیل به جیره خوار دولت شده و روح آزاد یخواهی و اعتراض در آنها کاهش یابد و این در اصل همان چیزی بود که شاه می خواست.

ارز یابی نهایی

آنچه اصلاحات ارضی برای گروه های مختلف اجتماعی کشور در پی داشت بیش از آن که موجب رشد لایه های مختلف اجتماعی باشد و زمینه توسعه را هموار سازد مشکلات دست و پا گیری را برای همگان به وجود آورد. اگر چه هدف از این اصلاحات ایجاد تحولات اقتصادی و بالا بردن کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی بود، اما عملاً این اتفاق رخ نداد. از یک سو با کاهش قدرت خوانین و چند تکه شدن اراضی، نظارت بر تولیدات کشاورزی که در گذشته توسط مالکان صورت می گرفت از بین رفت و باز دهی اراضی کاهش پیدا کرد و از سوی دیگر خرده مالکانی که پس از اصلاحات ارضی متولد شده و مقدار اراضی به دست آورده بودند بیشتر به فکر تولید محصولات مورد نیاز خود بودند تا تولید در حد بالا و برای بازارهای داخلی. از منظر دیگر نیز با اصلاحات ارضی قدرت و نفوذ خوانینی چون خوانین بختیاری کاهش یافت. آنها به شهرها مهاجرت کردند و شهر نشین شدند دولت تا حدی خیالش از بابت آنها راحت شد، اما همین گروه ها قشر و طبقه جدیدی در جامعه شهری به وجود آوردند. که بعدها با اعتراضات خود به دستگاه سیاسی رنگ و پوی دیگری بخشیدند و حتی از بنیان سقوط نظام شاهنشاهی شدند.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سیرجان

منابع:

- اسد اللهی، علی اکبر، مراحل سه گانه اصلاحات ارضی، مدیریت امور اراضی قزوین، ۱۳۸۴.
- امام شوشتری، سید محمد علی، تاریخ و جغرافیای خوزستان، ص ۱۷۳.
- امان اللهی بهار و نلم، سکندر، کوچ نشینی در ایران، پژوهشی درباره ایلات و عشایر، تهران ۱۳۷۶.
- موری، پیتز، تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی، ترجمه محمد رفیعی، تهران انتشارات عطایی، ۱۳۷۱.
- آهنگجده، اسفند یار، ایسل بختیاری و مشروطیت، انتشارات ذره بین، ۱۳۷۴.
- پرهام، باقر، اصلاحات ارضی، تهران، ۱۳۴۹.
- مؤان بی بر دیگرار و دیگران، ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۷.
- اصلاحات ارضی: زمینه ها، ضرورت ها و نحوه اجرا و پیامدها، مرتضی رسولی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۶.
- سردار اسعد بختیاری، علیقلی خان، تاریخ بختیاری، انتشارات بساوی، ۱۳۶۱.
- شوکران، ویلیام، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ۱۳۷۰.
- صفی نژاد، جواد، عشایر مرکزی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.
- عمید، محمد جواد، کشاورزی، فقه و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه رامین رامینی نژاد، نشر نی، ۱۳۸۱.
- بابک نادپوره، نگاهی جامعه شناختی به ایل تشقایی (گذشته، حال و آینده)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.
- رسولی ام باگ بای، روابط بین المللی امریکا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹ تا ۱۹۹۱)، ترجمه اسماعیل شفیعی، انتشارات اندیشه نیکان، ۱۳۸۴.
- هوگلاتند، اریک، زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰، ترجمه فیروزه مهاجر، انتشارات شیراز، ۱۳۸۱.

با صبا افتان و خیزان می روم تا کوی دوست وز رفیقان ره استمداد همت می کنم

از خوانندگان نشریه تقاضای دعای خیر و همت عالی

و پرداخت به موقع حق اشتراک را داریم